

# آسیای مرکزی به روایت «بارتولد»

مریم جبه‌داری

نظریات او نفوذ دین بودایی ایران در فرهنگ ایران و آسیای مرکزی بوده است. همچنین نظر او در خصوص ارتباط تاریخی نواحی شرقی و غربی ایران و نقش این ارتباط در شکل‌گیری تمدن ایرانی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

وی در تحقیقات ایران‌شناسی خود به برخوردها و مناسبات دو فرهنگ دهقانی و شهرنشینی در ایران پیش از اسلام و زوال حکومت اشراف زمیندار به سبب گسترش تمدن درخشانی می‌پردازد که همراه با شهرنشینی در سایه اسلام پدید آمد. بیشترین سهم بارتولد در بررسی آسیای مرکزی و ایران، در دوره سده‌های میانه از صدر اسلام تا دوره تیموری است.<sup>۲</sup>

مقاله حاضر به بررسی کتاب «گزارش سفر باستان‌شناسی به آسیای مرکزی» بارتولد می‌پردازد که در آن بارتولد با همان نگاه موشکافانه و دقیق همیشگی بخشهای مختلف آسیای میانه را مورد مطالعه قرار می‌دهد و به‌ویژه، نظر به اهمیت تدفین مردگان در بین قبایل و گروههای مختلف آسیای میانه، توجه خاصی به گورستانها در نقاط باستانی در این نقاط کرده، به‌ویژه کورگنها<sup>۳</sup> و اشیای پیدا شده در چوار آنها را مورد توجه قرار می‌دهد.

در کتاب یاد شده بارتولد بیش از هر چیز کورگانها و

واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد، باستان‌شناس آلمانی تبار روس (۱۹۳۰-۱۸۶۹)، استاد تاریخ شرق دانشگاه سن‌پترزبورگ، سردبیر مجلات عالم‌الاسلام، مسلمانان جهان و ایران، دبیر روسی کمیته مطالعات آسیای مرکزی و شرقی، سردبیر نشریه یادداشتهای شعبه شرقی انجمن باستان‌شناسی روسیه و عضو هیات مدیره شرق‌شناسان، به‌منظور مطالعه نسخه‌های خطی و کارهای باستان‌شناسی سفرهایی به آسیای مرکزی، قفقاز، اروپای غربی و خاورمیانه (ترکیه و مصر) داشته است. وی در سالهای ۱۸۹۳ و ۱۸۹۴، از سوی دانشگاه سن‌پترزبورگ و فرهنگستان علوم به آسیای میانه رفت که حاصل آن کتاب «گزارش سفر باستان‌شناسی به آسیای مرکزی» بود.

بارتولد به عنوان محقق بسیار پرکار که حدود ۶۸۴ اثر چاپی داشت، نخستین کسی بود که مطالعه تاریخ آسیای مرکزی را براساس روشهای تحقیقی جدید بنیان نهاد و توجه بسیاری به تاثیر متقابل عناصر فرهنگی متفاوتی نمود که از نظر او تاریخ آسیای مرکزی و به‌ویژه ایران باستان، ترک - مغولهای چادرنشین و تمدنهای باستانی را شکل بخشیده بودند. به همین دلیل برای بارتولد مطالعه این تمدن بیش از خود آنها اهمیت داشته و از جمله

پیکره‌های سنگی را که در نواحی مختلف قابل رویت هستند، مورد بررسی قرار می‌دهد. این پیکره‌ها که عمدتاً زن هستند، غالباً در یک دست شمشیر و در دستی دیگر جام دارند. به گفته اوستسکی<sup>۱</sup> از سده پیش از میلاد در چین رسم بر آن بوده تا چنین پیکره‌هایی را روی قبرها قرار دهند و به نظر می‌رسد که بادیه‌نشینان این سنت را از چینیا اقتباس کرده باشند. آثار دیگری که به دست آمده، به‌طور قطع ثابت می‌کند که در میان این پیکره‌ها، آنهایی که در یک دست شمشیر و در دست دیگر جام گرفته‌اند، در سده‌های هفتم و هشتم توسط ترکها ساخته شده و «بالبال»<sup>۲</sup> نام داشته‌اند. علاوه بر آن، چهره پیکره از چهره منقوش ساخته نمی‌شده، بلکه مربوط به اشخاصی بوده است که در مراسم تشییع جنازه نقش عده‌های داشته‌اند.

بارتولد معتقد است که آگاهیهای مستندی در دست است که ثابت می‌کند که سنت ساخت پیکره‌های سنگی زن تنها به مردمان ترک نژاد سده‌های ششم تا هشتم تعلق نداشته و چندین سده پس از آن حفظ شده است. چنین پیکره‌هایی را قره - کولها<sup>۳</sup> در سده‌های چهارم و پنجم نیز می‌ساختند. همچنین پیکره‌های سنگی زنان در محل دفن گنجیزخان، پسرش تولوی<sup>۴</sup> و پسران تولوی (به جز قویلای<sup>۵</sup> و هلاکو<sup>۶</sup>) نیز قرار داشتند. به عقیده بارتولد، به‌درستی نمی‌توان گفت که این آیین در میان قلماقها وجود داشته یا خیر و این‌گونه پیکره‌ها توسط همان مردمانی ساخته می‌شده که به آیینهای اوران<sup>۷</sup>، آغاز تمدن چینی خو گرفته بودند یا نه؟

به گفته بارتولد، در چالدانا<sup>۸</sup> و آبادیهایی بعد از آن نیز کورگانها و پیکره‌های سنگی دیده می‌شوند. کورگانها به‌طور کلی، گاهی جدا از هم و گاهی به صورت پی‌درپی قرار دارند. از روی کورگانی در نزدیکی روستای بلادوسکایا<sup>۹</sup>، می‌توان معماری داخلی کورگانها را مشخص نمود. نمونه اخیر شبیه دخمه‌ای است که با خشتهای بزرگ ساخته شده و دارای سقفی قوسی‌شکل است. بیرون دخمه کاملاً فرو ریخته و درون آن استخوان انسان و اسب دیده می‌شود. از اشیا نیز می‌توان به چند شیء کوچک آهنی که کاملاً زنگ زده‌اند از قبیل چاقو، قیچی، حلقه، کاسه‌ها و پلاکهای مسی و کوزه‌های کوچک گلی اشاره کرد.

در حوزه نازین<sup>۱۰</sup> و در اطراف آت‌باش<sup>۱۱</sup> نیز که تنها شهری است که از قرون میانه به آن اشاره شده و ابن خردادبه هم از آن نام برده است، سنگ قبرها و پیکره‌های سنگی زنان دیده می‌شوند. پیکره‌های سنگی زنان در نزدیکی ایستگاه اوتیال<sup>۱۲</sup> نیز دیده می‌شوند. در طول رود قزل‌سو<sup>۱۳</sup>

هم چندین پیکره سنگی زن قرار دارد و سنگ‌نوشته‌هایی که به خط بتنی هستند و تاریخ آنها به پیش از سده گذشته نمی‌رسد. در نزدیکی سنگ‌نوشته‌ها، آثار قبر و بناهایی دیده می‌شود که اغلب سنگ‌چینیهای چهارگوش‌اند. پیکره‌های سنگی زنان همچنین در مسیر روستای جارکس<sup>۱۴</sup> و در نزدیکی رودخانه چیچ‌خان<sup>۱۵</sup> نیز دیده می‌شود؛ به طوری که در سمت غربی سنگ قبر چهارگوش قرار دارند و صورت آنها به سمت باختر برگردانده شده است. این پیکره‌ها در کنار برخی از قبرها دیده می‌شوند.

به اظهار بارتولد، براساس به روایات، تمام آثاری که در نقشه اوزونتام<sup>۱۶</sup> ثبت شده، بقایای ساختمانهای گنبد چینهایی هستند که در زمان شورش مسلمانان در ۱۸۶۴ میلادی ویران شده‌اند. به همین دلیل او بیشتر توجه خود را معطوف موقعیت کنونی این مکان و ترکیب ویژه عناصر تمدن چینی و اسلامی آن می‌سازد، زیرا این امر برای اشخاصی که تاریخ آسیای مرکزی را بررسی می‌کنند، بسیار آموزنده است. اثر باشکوه و قابل تحسین این فرهنگ چینی - اسلامی، مسجدی بسیار زیباست که به

گفته بارتولد، به سبک دونگانی<sup>۱۷</sup>، یعنی آمیزه‌ای از هنر چینی و اسلامی ساخته شده است. درون ساختمان تقریباً هیچ شباهتی به مسجدهای دیگر ندارد و بیشتر شبیه ساختمان کلیسای مسیحیان است. شبستان مسجد، مقابل در ورودی قرار دارد و با دو ردیف ستون، به آن متصل می‌شود؛ در هر دو جانب مسجد مناره‌ای قرار دارد که پلکانی درون آن ساخته شده است. در کولچی<sup>۱۸</sup> و حومه آن نیز شمار زیادی مقبره وجود دارد که آنها نیز مانند قبرستانی که گورستان سلطان نامیده می‌شود، تقریباً جدید هستند و کاملاً به سبک اسلامی، اما با آجر ساخته شده‌اند.

در نزدیکی کولچی، کورگان بزرگی دیده می‌شود که پاره‌های آجر در اطراف آن پراکنده است و به گفته اهالی محل در اینجا یک صومعه بودایی وجود داشته که تا زمان تیمور برجای بوده است.

بارتولد در سفر خود سپس به خجند<sup>۱۹</sup>، اوراتیوبه<sup>۲۰</sup> و سمرقند می‌رود که به ادعای خود در این نقاط نیز به اطلاعات تازه‌ای دست می‌یابد، از جمله در خجند با کتیبه‌های سنگی با خط عربی مواجه می‌شود که او را به این فکر می‌اندازد که آیا در آنجا کتیبه‌های غیراسلامی نیز وجود دارند یا خیر؟ در اوراتیوبه بارتولد قلمه کهکها<sup>۲۱</sup> را می‌بیند که مانند بسیاری از قلمه‌های دیگر با ۳ حصار احاطه شده است و بقایای دیوار گلی نشان می‌دهند که در زمانهای



همین دلیل او در کتاب خود «زین‌الآخبار» را به عنوان فصل آخر و بدون هیچ‌گونه تغییری به مطالب خود می‌افزاید. علاوه بر آن، بارتولد عکسهایی از نقاط بازدید شده را نیز ضمیمه کتاب خود کرده که به همراه متن «زین‌الآخبار» در مجموع بر جذابیت اثر او می‌افزاید. **پی‌نوشتها**

1. Vasili Vladimirovich Bartold

۲. «گزارش سفر باستان‌شناسی به آسیای مرکزی». مقدمه جواد نیستانی

۳. Kourgan - بنای یادبود کشته‌شدگان جنگ یا امرا و پادشاهان و قبایل چادرنشین که بر روی مزار آنها به صورت تپه‌های بلند ساخته می‌شد. مقدمه، جواد نیستانی

4. Ospenski

5. Balbal

6. Karakul

7. Tultui

8. Gubilay

9. Holagu

10. Everan

۱۱. Chaldavar - درباره وجه تسمیه واژه چالدوار، رک:

مقاله ف. پتروفسکی در نشریه انجمن. باستان‌شناسی شرقی و غربی، جلد ۸، ص ۳۵۶ (بارتولد)

12. Belavodskaia

13. Narin

۱۴. Albash - در نسخه خطی تاریخ رشیدی متعلق به بریتیش میوزیوم، این کلمه به صورت «آلباشی» آمده است. مقدمه جواد نیستانی

15. Oital

16. Ghezel-su

17. Jarkes

18. Chich-Khan

19. Uzuntam

20. Doungan

21. Koulji

22. Khojent

23. Oura-tiyoubе

24. Kahkaha

25. V. G. Tizenhavzen

26. Orgout

۲۷. بارتولد، «گزارش سفر باستان‌شناسی به آسیای مرکزی»، مترجم مریم جبه‌داری

۲۸. «گزارش سفر باستان‌شناسی به آسیای مرکزی». مقدمه، جواد نیستانی

نزدیک نیز از این قلعه استفاده است. مدت در ساحل مقداد رودخانه و در محل روبه‌روی قلعه و اندکی پایینتر، نزدیک بازار چند شیء باستانی به‌طور اتفاقی پیدا شده‌اند. از جمله بارتولد در همان جا سکه‌ای به‌دست آورده که به عقیده بارون و.گ. تیزنهاوزن<sup>۲۵</sup> متعلق به دوره احمدبن اسماعیل سامانی (متوفی به سال ۲۹۵ قمری و ۹۰۷ میلادی) بوده، نشان رسمی یک امیر را نشان می‌دهد. در سمرقند، بارتولد تلاش می‌کند که اخباری درباره آثار مسیحیت در آنجا و در حوالی آن بیابد، زیرا در قرن دهم در جنوب سمرقند روستایی مسیحی‌نشین و دیرهای مخصوص راهبان مسیحی وجود داشته است و بنابراین مسلمانان در خود سمرقند، در نیمه دوم قرن ۱۳ نیز هنوز کلیسای مسیحیان دیده می‌شده است. به گفته بارتولد، دانش آموختگان سمرقند بنابه روایتی این دهکده مسیحی را همان اورگوت<sup>۲۶</sup> می‌دانند؛ اما خود یهودیان می‌گویند که هیچ‌گاه مسیحیان در فاصله بین سمرقند و اورگوت ساکن نبوده‌اند. در این مسیر در حدود ۵ کیلومتری سمرقند، در کنار مزار خوابه ابی‌دارون، بنای زیبایی به شکل یک صلیب قرار دارد که طبق روایات در زمان تیمور به یک

مکان تفریحی و سرگرمی مبدل شده بوده است؛ معلوم نیست که این ساختمان قبلاً چه بوده است، اما در اطراف آن تعداد زیادی گور دیده می‌شود؛ اگر چه به عقیده مسلمانان گورهایی که در شرق این بنا قرار دارند، متعلق به مسلمانان نیستند. قبلاً در همان‌جا چندین کورگان دیده می‌شد که اکنون تنها یکی از آنها باقی مانده است. اما در نزدیکی خود مزار شمار بسیاری سنگ قبر مربوط به مسلمانان وجود دارد که برخی از آنها متعلق به قرن ششم هجری است.<sup>۲۷</sup>



همان‌طور که گفته شد، بارتولد در پژوهشهای خود نه تنها از منابع مکتوب، بلکه از مدارک باستان‌شناسی نیز استفاده کرده است. از دیگر کارهای ماندگار بارتولد یافتن نسخه‌های خطی عربی، فارسی و ترکی است که بسیاری از آنها را خود وی تصحیح کرده و بر آنها حاشیه نوشته است.<sup>۲۸</sup> در کتاب «گزارش سفر باستان‌شناسی به آسیای مرکزی» نیز بارتولد اشاره می‌کند که از میان نسخه‌های خطی که در فرصت مطالعاتی خارج از کشور در تابستان ۱۸۹۵ بررسی کرده است، بیش از همه، اثر ابوسعید عبدالحی‌بن ضحاک بن گردیزی مولف «زین‌الآخبار» توجه او را به خود جلب کرده است که یکی از مهمترین ماخذ برای مطالعه تاریخ بخش شرقی جهان اسلام از آغاز فتوحات مسلمانان و به تخت نشستن مسعود غزنوی در ۸۰۳ قمری به شمار می‌آید. به